در روز دندانپزشک با جوانی ۳۳ ساله صحبت کرده‌ایم که خلبانی در خارج کشور را با هدف راه‌اندازی کلینیک سیار دندانپزشکی در ایران رها کرد

از فیلیپین تا مناطق محروم

مریم خباز

جامعه

زیبایی‌های مسحورکننده فیلیپین، جزیره چشم‌نواز بوراکای، جزیره رویایی پالاوان در میمارو پاکه میان دریای چین جنوبی و سولو واقع شده‌اند و پاتوق توریست‌های زیبایی پسندند یا آکواریوم خیره‌کننده شهر مانیل که گردشگران خارجی را مبهوت عظمتش می‌کند و حتی چشم‌اندازهای بکر سواحل گرمسیری که باد زیر درختان‌های نخل سرسبزش می‌افتد و آفتابی که روی سفیدی سواحل صدفی‌اش لحظات حظ‌آوری را خلق می‌کند هیچ‌کدام به اندازه نام گوش‌نواز وطن نتوانست برای محمد الوندی جذاب باشد.

محمد جوان است و در ابتدای دهه سوم زندگی. او زیبایی‌های کشور محصور در آب‌های اقیانوس آرام، یکی از بی‌حاشیه‌ترین کشورهای جنوب شرق آسیا را گذاشت، حتی از شغلش که خلبانی بود و برایش درآمد خوبی داشت، دست‌کشید تا به ایران دوست‌داشتنی خودش برگردد آن هم با دستی پر و مغزی انباشته از افکاری به نفع مردم وطن.

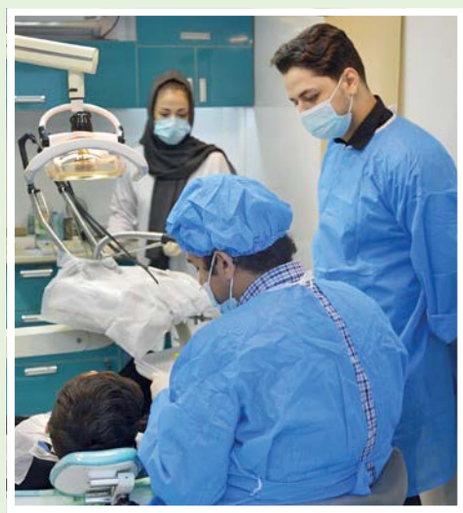

کلینیک سیار دندانپزشکی در یک سال اخیر به حدود ۲۰ هزار بیمار نیازمند خدمت‌رسانی کرده است

او در فیلیپین، کشوری که در آن درس خوانده و خلبان هواپیمای مسافربری شده بود، در کشوری که همه چیزش را دوست داشت به‌جز غربت و دوری از کسانی که قلبش متعلق به آنهاست، به‌غیر از جاذبه‌های گردشگری و عکس‌های کارت‌پستالی و تیزرهای تبلیغاتی برای جذب توریست، کامیونی را دیده بود که مثل ایران خودمان، در فواصل مشخص، جمعی از دندانپزشکان که کار خیر می‌کنند سوار آن می‌شوند و می‌زنند به دل مناطق محروم این جزیره شرقی و به مردمی که دور از چشم گردشگران خارجی و جایی سوا از زرق و برق پایتخت و شهرهایی که تقریبا هر سال سواحلشان جزو برترین سواحل جهان می‌شود، به مردمی محروم و ندار، خدمات رایگان می‌دهند. خودرویی که مرکب این دندانپزشکان نیکوکار بود آن‌چنان به چشم محمد آمده بود که جرقه‌ای را در ذهن او روشن کرد. او در خیالاتش ماشینی مشابه را دیده بود که با تدارکاتی بهتر و سر و شکلی شکیل‌تر در ایران تجهیز می‌شود و در سرزمینی که نیکوکاری در تار و پودش بافته‌شده، راه مناطق محروم را پیش می‌گیرد و درِ خانه مردمی را می‌کوبد که خدمات دندانپزشکی برای آنها تجمل محسوب می‌شود و به‌جز کشیدن دندان نه به چیز دیگری فکر می‌کنند و نه پولی برای درمان و زیباکردن دندان‌هایشان دارند.

این جرقه کم‌کم جان گرفت و شعله کشید و آتشی گرم و لذتبخش شد که محمد از وجودش گرمی می‌گرفت و با کمک آن دانه‌دانه رشته‌های اتصالش با غربت را می‌برید و او را به وطن و به سرزمین مادری که هیچ‌جا به خوش بویی آنجا نیست، متصل می‌کرد. عزم جزم یک جوان به این ترتیب دستمایه یک حرکت خودجوش و جهادی شد؛ حرکتی که مثل مویرگ‌های طویل بدن انسان‌ها که خون این مایه‌حیات را به دورترین اندام‌های بدن می‌رساند، خدمات دندانپزشکی را تقدیم کسانی می‌کند که حتی درخوش‌ترین رویاهایشان نیز گمان نمی‌کردند گروهی پزشک جراحِ با احساس، گران‌ترین و ظریف‌ترین خدمات پزشکی را دو دستی و با لذت تعارفشان کنند.

خواستن توانستن است

او می‌دانست اولین نیست، او مطمئن بود کسانی غیر از او زودتر و شاید بهتر کارهای مشابهی را انجام داده‌اند، محمد یقین داشت در ایرانی که سمبل زایش و جوشش مهربانی است کسانی پرقدرت‌تر از او سال‌ها قبل دغدغه خدمت داشته و راهی مناطق محروم شده و حتما دندان‌های بیمار مردم سرزمین مادری را نیز نشانه رفته‌اند. او اما با خودش گفته بود دست‌خورده‌بودن این راه مانع ورود به آن نمی‌شود، برعکس هر قدر خدمات از مجاری متعدد به مناطق محروم برسد، لطفش بیشتر می‌شود و افراد بیشتری از رنج و درد رهایی می‌یابند.

این شد که خواستن مثل همیشه توانستن شد. محمد به شهری که در آن درس خوانده و صاحب شغل و جایگاه اجتماعی شده بود بدرود گفت و سوار بر یکی از پروازهای خطوط هوایی فیلیپین وارد تهران شد؛ شهری که گرچه دودآلود و خاکستری و گرد گرفته است ولی با این حال نفس است و نفس برای اهالی‌اش.

محمد الوندی در راه پر فرازونشیبی که در پیش گرفته بود، می‌دانست قدم اول خریدن یک خودروی متناسب است. او آن ماشین فیلیپینی را دیده بود و می‌خواست روی دست آن بلند شود تا کار خدمت‌رسانی به مردم نیازمند بی‌دردسرتر پیش برود. ماشینی که او خرید شبیه آنهایی است که مواد غذایی را در پخش مویرگی شرکت‌های تولیدکننده میان مغازه‌های سطح شهر توزیع می‌کنند با این فرق که باری که این خودرو باید حمل کند نه مواد غذایی که یونیت دندانپزشکی و تجهیزات مورد نیاز طوری است که یک مطب دندانپزشکی تداعی شود.

خرید انجام شد و سپس محمد ماند و ماشینی که باید تجهیز شود. او دریافته بود که در سراسر ایران فقط یکی دو نفر توان تبدیل کامیون به مطب دندانپزشکی را دارند آن هم نه بی‌عیب و نقص. همین شد که او از واگذاری کار به غیر منصرف شد و از پدر و برادرش که آدم‌هایی فنی‌اند کمک گرفت تا این کامیون معمولی به جایی خوب برای درمان دندان‌های بیماران تبدیل شود.

برای این که چنین حاصلی به‌دست آید سرمایه زیاد و وقت بسیاری صرف شد ولی کامیونی که الان با سری بلند جلوی شاتر دوربین‌های عکاسی قرار می‌گیرد آنچنان خوب از آب درآمده که ارزش وقت و هزینه‌های صرف‌شده را دارد. روی اتاقک این خودرو، روی جداره سفید و بلند آن تصویر دست‌هایی با رنگ‌های مختلف نقاشی‌شده که رو به آسمان بلند است و استمداد طلبیدن را تداعی می‌کند؛ دست‌هایی که می‌تواند دست‌های مردم مناطق محروم کشور باشد به سمت دندانپزشکان خیری که بی‌ادعا برای کمک به آنها، مال و دانش و توان خویش را خیرات می‌کنند.

سرمایه‌ای به نام پزشک پای‌کار

یک کامیون هر قدر هم که خوب طراحی شده باشد و هر قدر که از مشابه فیلیپینی‌اش بهتر و مجهزتر باشد اگر پزشکی حاضر نشود داخل آن بنشیند و به نقاط دوردست برود و به مردم بی‌چیز خدمات بدهد آهن‌پاره‌ای بیش نیست. کامیونی که به همت محمد و به مدد افکار بلندش ساخته شد اما حتی برای یک لحظه آهن‌پاره نماند و دندانپزشکان نوعدوستی که هرکدام ته ذهنشان روزی به خدمت به فقرا فکر کرده بودند به‌تدریج آن را محل کار و مطب دوم خویش دانستند.

اکنون حدود ۳۰۰ نفر از دندانپزشکان جوان تا میانسال ایران حتی متخصصان جراح در رشته‌های مختلف دندانپزشکی با این کامیون خدمات سیار به مردم محروم کشور ارائه می‌دهند و هرکدام درطول ماه برای مدتی دل از پایتخت و اتاق کارهای تمیز و راحت خویش می‌کنند تا راحتی را به عقب‌مانده‌ترین نقاط کشور و عطش‌دارترین مناطق برسانند.

برخی از این پزشکان نه‌تنها از وقت و انرژی خویش که از مال خود نیز هزینه می‌کنند و به گفته محمد مواد دندانپزشکی را که گران‌ترین بخش خدمات است با خود می‌آورند تا در هر سفر تعداد بیشتری از هموطنان از رنج و درد بیماری‌های دهان و دندان خلاص شوند.

این اتفاق البته در همه حرکت‌های خودجوش و جهادی سابقه دارد؛ جهادی‌ها و نیکوکارانی که می‌کوشند گمنام بمانند هم توان خویش را وسط می‌گذارند و هم دارایی‌شان را با این هدف که زندگی برای محرومانی که سر راهشان قرار گرفته‌اند کمی راحت‌تر از قبل شود.

اوضاع خراب دندان‌ها

دندان‌های سالم و ردیف که زینت چهره ما آدم‌هاست خیلی زود رو به اضمحلال می‌گذارد و از پس بی‌توجهی‌هایی که از روی ناآگاهی یا ناچاری به آنها می‌شود خیلی زود به زشت‌ترین بخش صورت‌مان تبدیل می‌شود. کلنجار پزشکان خیر در کامیون سیار دندانپزشکی دقیقا با همین دندان‌هاست که در حفره دهان بسیاری از مردم مناطق محروم به تکه‌هایی زشت و بدبو و دردناک تبدیل و بدون این که خودشان خبر داشته باشند علت بروز بسیاری از بیماری‌هایشان شده است.

محمد می‌گوید وضع اغلب دندان‌های این مردم خراب است؛ دندان‌های خراب، مرواریدهایی که سال‌هاست دیگر غلتان نیستند و فاسد شده‌اند، دندان‌هایی که یا به عصب رسیده و باید عصب‌کشی شوند یا خرابی از عصب‌شان نیز گذشته و باید کشیده شوند. حتی بیشتر بچه‌های مناطق محروم و کم‌برخوردار کشور به روایت محمد، دندان‌های خراب زیاد دارند تا جایی که امکانات و تجهیزات کامیون سیار اجازه دهد تک‌تک روی یونیت دندانپزشکی خوابانده، معاینه و درمان می‌شوند.

بعضی وقت‌ها اما خرابی به‌حدی است و غفلت آنچنان عمق دارد که دندان‌ها باید کشیده شوند و روی لثه‌های خالی باید دندان‌های مصنوعی سوار شود؛ آن هم روی لثه‌های افرادی بعضا جوان و زیر ۳۵ سال. محمد برایمان تعریف می‌کند که در یکی از سفرهایش به سیستان و بلوچستان جوانی ۳۰ ساله را دیده که حدود ۲۰ دندان داشت و وضع این دندان‌ها به‌حدی خراب بود که دیگر تاج نداشت و فقط مشتی ریشه بود که جراح دندانپزشک حدود ۲۰ جراحی انجام داد تا تک تک ریشه‌ها را بیرون بکشد و در نتیجه برای ساخت دندان مصنوعی از دو فک بیمار قالب بگیرد.

محمد می‌گوید در مناطق محروم کشور، حتی نقاط کمتر توسعه‌یافته شهر تهران از این نوع بیماران زیادند و برای بیشتر بیماران دستکم هفت هشت جراحی انجام می‌شود. کامیون سیار دندانپزشکی خیریه از یک‌سال پیش که نخستین استارتش را زد تا امروز که کرونا مانع جدی گسترش فعالیت‌هاست در تهران حدود ۲۰۰۰ ویزیت و حداقل ۴۵۰ درمان و در سیستان و بلوچستان حداقل ۶۰۰۰ ویزیت و حداقل ۲۰۰۰ درمان انجام داده که همگی تلاشی بوده‌اند برای نجات دندان‌هایی که امیدی به آنها هست و جایگزین‌کردن دندان‌هایی که فرصت طلایی برای نجاتشان ازدست‌رفته است.

جوانی با آرزوهای بزرگ

دل محمد الوندی آکنده از آرزوهای بزرگ است. ذهن و قلب او خانه رویاهای شیرینی است که به شخص خودش مربوط نمی‌شود بلکه معطوف است به مردم محروم و آنچه نیاز دارند. در کامیون سیار دندانپزشکی او علاوه بر دندانپزشکانی که در آن طبابت می‌کنند گاهی اوقات پزشکان سایر رشته‌ها نیز حاضر می‌شوند و به فراخور نیاز بیماران، خدمات می‌دهند؛ از پزشکی عمومی گرفته تا متخصصان زنان و اعصاب و دیگران. چون مشکل جسمانی مردم مناطق محروم کشور فقط دندان‌های مشکل‌دار آنها نیست و تجربه سفرهای سایر پزشکان با این گروه جهادی ثابت‌کرده هر متخصصی که همراه باشد دردی از این مردم را شناسایی می‌کند، محمد این روزها به فکر خرید چند کامیون دیگر و تجهیز آنها با دستگاه‌های سونوگرافی و ماموگرافی هم هست؛ دستگاه‌هایی بیشتر برای غربالگری و شناسایی بیمارانی که نبود امکانات، درد آنها را به مخفی‌ترین لایه‌های ذهن‌شان رانده، مخصوصا مشکلات زنان باردار را در مناطق محروم که ترس از تولد نوزادی بیمار از آنها جدی‌جدی است.

محمد می‌گوید چون به تجربه دریافته که مردم محروم کشور نه دسترسی به خدمات تشخیصی دارند و نه پولی برای هزینه‌کردن در این دو بخش، او به چشم دیده که بسیاری از زنان، گرفتار سرطان‌های پیشرفته پستان و دیگران گرفتار دردهای کهنه و خطرناک می‌شوند. رسیدگی به این دردها برنامه آینده این جوان و همکاران معنوی و نیک‌اندیش اوست؛ برنامه‌ای که ابتدا روح بانیان آن را صیقل می‌دهد و سپس دست نیازمندی را به گرمی می‌فشارد.

یادداشت:
آرش دانک

دندانپزشک خیّر

کلینیک سیار رویا

زما دریغ ندارد خدا بهشت برین را ازآن کنم دم مردن نگاه خیره به رویش همه چیز از عشق و علاقه شروع شد؛ عشق به کار، دست‌های شفابخش و خلق زیبایی‌ها.

یک روز خوب کاری درحال برگشت از محل کارم، نگاهم به لبخند پسرک کم‌سن‌وسالی افتاد که از پیداکردن کلاهی کهنه در سطل زباله شهر خوشحال بود. لبخندش زیبا بود اما دندان‌هایش یک‌درمیان سیاه و خراب. حال عجیبی داشتم، با خودم فکر کردم آیا دردهای روزگار فرصت فکرکردن به درددندان را به این پسرک داده است؟

به‌راستی چند نفر در چند جای مختلف این جهانِ به ظاهر زیبا، حسرت داشتن لبخندی زیبا را به دوش می‌کشند؟ این سوال همواره ذهن مرا به خود مشغول می‌کند و آن روز هم که سخت درگیر پاسخ این سوال بودم به فکر عملی‌کردن هدفم افتادم؛ زکات علم و چه زکاتی بهتر از هدیه‌دادن لبخند زیبا به کسانی که محتاج آن هستند؟

اتفاق آن روز باعث آشنایی‌ام با کلینیک سیار دندانپزشکی شد و کلمه سیار برایم چقدر جدید و زیبا بود؛ برای من که می‌خواستم خالق لبخندهای زیبا در تک‌تک نقاط جهانم باشم.

می‌خواهم از حس‌وحال وصف‌نشدنی‌ام در زمان درمان بگویم. خالی‌کردن دندان بیمار برایم شبیه خالی‌کردن ذهنش از غصه‌هایش است. کشتن هر عصب دندان را کشتن رشته‌های فقر و ناتوانی می‌بینم و درنهایت موادی که استفاده می‌کنم در نظرم مرهمی است بر دل زخم‌خورده بیمار.

کلینیک سیار دندانپزشکی برای من وسیله‌ای است دائما در حرکت که توقف برایش معنا ندارد؛ حرکت به سمت ساختن، آغاز، بودن و ماندن، ماندن در مسیری که حال دلم را دگرگون می‌کند.

خلاصه بگویم‌تان قدم‌گذاشتن در مطب ماشینی جدیدم انگار قدم‌گذاشتن در پله‌هایی بود به سمت خدا، به سمت آرامش و به سمت رضایت، رضایتِ بیمارانی که دعای خیر زیبایشان را در لحظه‌لحظه زندگی‌ام حس می‌کنم.

و امروز عاشق‌تر از همیشه کارم، هدفم و دنیایم را دنبال می‌کنم.

«فَاللّٰهُ خَیرٌ حَافِظًا وَهُوَ أَرحَمُ الرَّاحِمِینَ.»

حق با شماست

info@jamejamdaily.ir

روابط عمومی: ۲۲۲۶۲۱۴۲

#خیر-قدردانی

قاسمی از بناب:

از خیرین شهر بناب بابت تامین و اهدای تبلت دانش‌آموزی به دانش‌آموزانی که فاقد تبلت بودند کمال تشکر و قدردانی را دارم.

#کمیته-امداد-وام

یک شهروند:

برای دریافت وام ودیعه مسکن از کمیته امداد باید چک و ضمانت ارائه شود و اگر این شرایط را نداشته باشی حتی اگر تحت‌پوشش هم باشی دریافت وام امکانپذیر نیست. سفته مددجو را هم قبول نمی‌کنند. چرا؟

#مشکلات-اقتصادی

قادری از تهران:

متأسفانه هر روز که می‌گذرد شرایط اقتصادی مردم بدتر از روز قبل می‌شود. این به آن معناست که این دولت توانایی لازم برای حل مشکلات را ندارد. مردم هم هیچ امیدی به این دولت ندارند.

#موزه-کرونا

اعتمادی از تهران:

چرا با وجود اعلام وزارت بهداشت و ستاد ملی مقابله با کرونا بعضی از موزه‌ها باز است و به فعالیت خود ادامه می‌دهند.

#تسهیلات-مسکن

حمیدی از تهران:

شرایط تسهیلات مسکن برای متاهلان و زوج‌های جوان بسیار دشوار است و باید برای دریافت این تسهیلات بیش از ۲۷ میلیون تومان اوراق خریداری کنند.

#کارگر-فصلی

جمعی از کارگران:

از دولت و مسؤولان وزارت کار تقاضا دارم به فکر مشکلات کارگران فصلی باشند که در این روزهای کرونایی با مشکلات فراوانی دست و پنجه نرم می‌کنند.

جوابیه

در پی درج پیامی در روز چهارشنبه مورخ ۱۳۹۹/۱۲/۲۰ با عنوان «استفاده غیرمجاز از محل مسکونی در منطقه» مدیر روابط‌عمومی شهرداری منطقه ۱۵ شهر تهران با ارسال نمابری اعلام کرد: طی بررسی در دو ناحیه یک و دو منطقه، موردی با این موضوع مشاهده نشد اما چنانچه شهروند محترم آدرس دقیق محلی را که در آن اقدام به پرورش دام زنده می‌شود از طریق سامانه ۱۳۷ اعلام کند، در اسرع‌وقت توسط مراجع ذی‌ربط پیگیری می‌شود. موضوع پرورش دام زنده از طریق اداره بهداشت و شبکه دامپزشکی نیز قابل پیگیری است.